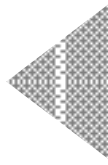


# میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی<sup>۱</sup>



دکتر ملیحه شیانی<sup>۲</sup>

سیاوش فاطمی نیا<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۸۸/۳/۵ - تاریخ تصویب ۸۸/۵/۱۵)

## چکیده

یکی از مهمترین عوامل موثر بر پیشرفت و توسعه جامعه، میزان آگاهی شهروندان آن جامعه و بطور کلی دانش اجتماعی (در معنای عام) آنهاست. در کلانشهرهایی همچون تهران که محل انبوه جمعیت با ضریب تعاملات بسیار بالاست، آگاهی شهروندی می تواند تسهیل گر روابط بوده و بستری مناسب برای برنامه ریزی اجتماعی فراهم آورد. این تحقیق در ارتباط با میزان آگاهی شهروندان از حقوق و تعهدات شهروندی است. پس از مرور نظریه و تاریخچه شهروندی بر اساس مدل پارسنز، حقوق و تعهدات شهروندی در چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مورد سنجش قرار گرفته است. نمونه آماری تحقیق ۷۶۷ نفر است که از مناطق مختلف و از بین شهروندان بالای ۱۶ سال شهر تهران گردآوری شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که بیشترین آگاهی شهروندان در حوزه فرهنگی با میانگین ۷۷/۸۱ و به همین ترتیب میانگین آگاهی شهروندان در حوزه اقتصادی و اجتماعی ۶۴/۶۵ و ۶۳/۷۱ می باشد. پایین ترین میزان

۱- این مقاله مستخرج از طرح تحقیقاتی «بررسی میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی» است که توسط مؤلفان این مقاله در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی برای شهرداری تهران انجام شده است.

۲- استادیار دانشگاه تهران، mshiani@ut.ac.ir

۳- کارشناس ارشد جامعه شناسی، fateminia\_siavash@yahoo.com

آگاهی شهروندان تهرانی در حوزه آگاهی سیاسی است که میانگین آن ۵۵/۰۹ است.  
**واژگان کلیدی:** آگاهی، شهروندی، حقوق، تعهدات، مشارکت.

#### مقدمه

سنجش آگاهی و نگرش‌های اجتماعی کاری است که بسیاری از کشورها برای اطلاع از وضعیت جامعه خود به انجام آن اقدام می‌کنند. سابقه انجام چنین کارهایی ریشه در غرب دارد. در عین حال در طول تاریخ نیز حکومت‌ها از روش‌های مختلف استفاده نموده‌اند تا درباره افکار و عقاید مردم اطلاعاتی را کسب کنند. بعضی از سلاطین در قالب جاسوسان، بعضی در قالب افرادی با لباس‌های مبدل، پلیس مخفی و ... وارد محیط طبیعی اجتماع می‌شدند تا وضعیت جامعه خود را مورد بررسی قرار دهند. در داستان‌های هزار و یک شب آمده است که هارون الرشید بعضی اوقات در لباس مبدل در خیابان‌ها و بازار بغداد قدم می‌زد و در موارد معین از مردم کسب اطلاع می‌کرد.

اما امروزه این روش‌های کسب اطلاع تا حدود زیادی منسوخ شده و جای خود را به روش‌های دقیق علمی داده است. مهمترین تفاوت این گونه از تحقیقات علمی و روش‌های سنتی، همان دقت و قابل استناد بودن مطالب بدست آمده است. روش‌های علمی از طریق سنجش‌ها و مقیاس‌های دقیق، میزان‌هایی را از وضعیت کلی جامعه برآورد می‌کنند که اولاً آنچیزی را که بدنبال آنیم بسنجد و ثانیاً قابلیت تکرار نتایج آن نیز بالا باشد. یعنی با افزایش اعتبار تحقیق و کاهش خطاهای سیستماتیک، محققین مختلف در زمان‌های متفاوت به نتایج یکسان می‌رسند. امروزه شرکت‌ها و مؤسسات بی‌شماری به وجود آمده‌اند که انجام چنین تحقیقاتی را به عهده گرفته‌اند. به ویژه در مواقع انتخابات، جنگ، بحران‌های اجتماعی - فرهنگی و موارد دیگر، انجام چنین تحقیقات و نظرسنجی‌هایی فزونی می‌گیرد.

شناخت آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی از اساسی‌ترین نیازهای بنیادی در امر برنامه‌ریزی فرهنگی و پیگیری تحولات آن در آینده است. برای اینکه در دنیای کنونی بتوانیم براساس یک برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ جامعه را در حد توان به سوی ارزش‌های متعالی و مبتنی بر فرآیند توسعه پایدار سوق دهیم و از رهاسازی ابعاد مختلف آن در دست حوادث جلوگیری کنیم، باید بدانیم که در چه شرایطی هستیم؟ و در کدام جهت حرکت می‌کنیم؟ و ثانیاً چه عواملی مؤثر بر این فرایند است؟ برای این منظور باید حوزه‌های آگاهی‌ها، نگرش‌ها و

رفتارهای اجتماعی فرهنگی را برای بررسی انتخاب کنیم که ویژگی‌های اصلی حیات اجتماعی هستند.

### بیان مسئله

گسترش چشمگیر شهرنشینی در سال‌های اخیر، بویژه افزایش جمعیت مهاجر در ابرشهری چون تهران، مسائل و مشکلات بسیاری را برجای گذاشته است. روند سریع هجوم به شهرها و نبود منابع کافی و نزول استاندارد زندگی، مسائل و مشکلات خاصی را در زندگی شهری پدید آورده است. کمبود مسکن، آلودگی هوا، معضلات ترافیکی، وجود بافت‌های فرسوده شهری، کمبود فرصت‌های فراغتی و تفریحی و ورزشی، کمبود مراکز بهداشتی و درمانی، آلودگی‌های زیست‌محیطی و مشکلات دیگر از این دست، بخشی از مشکلات حل نشده زندگی شهری است. مدیریت شهری امروزی در شهرهای بزرگ دیگر قادر نخواهند بود با روش‌های سنتی و معمول گذشته در ارائه خدمات یکسویه موفقیتی بدست آوردند. آن چه امروزه توسعه و بهره‌وری خدمات شهری را تضمین می‌کند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت‌های شهری است. این توسعه باید لزوماً توسط مردم باشد و برای مردم. به عبارتی توسعه باید با مشارکت آحاد مردم زن و مرد، کوچک و بزرگ انجام پذیرد، تنها در این صورت است که اقدامات توسعه‌محور بر مبنای نیازها و منطبق با خواسته‌های مردم خواهد بود و چون به وسیله مردم طراحی شده است، پایدار خواهد ماند. از سویی دیگر مشارکت مردم در روند توسعه، آنان را توانمند خواهد ساخت تا مسائل و مشکلات خود را بیانند، برای مشکلات برنامه‌ریزی لازم را انجام دهند و در اجرای آن برنامه‌ها سهیم شوند.

اگرچه مفهوم مشارکت دامنه وسیعی را در بر می‌گیرد، طوری که ارائه یک تعریف واحد از آن را دچار مشکل می‌سازد اما بطور کلی می‌توان گفت «مشارکت، کنشی قصدمند، هدفدار، ارادی، ارزشی با خصوصیات متعامل بین کنشگر و زمینه محیطی و اجتماعی‌اش جهت نیل به هدفی معین و مشترک است» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۹۷). برخی مشارکت را به معنی «همکاری و شرکت در کار یا فعالیتی و حضور در گروه یا سازمانی به منظور بحث، تصمیم‌گیری و پذیرش نقش می‌دانند». مشارکت به تعبیری دیگر به معنی مداخله جمعی شهروندان در طرح‌های توسعه است. بدین مفهوم که مردم هم حق دارند و هم موظف هستند در حل مسائل و مشکلات زندگی جمعی خود مداخله کنند و مسئولیت‌های بیشتری در تشخیص نیازها، بسیج منابع محلی و پیشنهاد

راه‌حل‌های جدید و نیز ایجاد و تقویت سازمان‌های محلی NGO برعهده بگیرند.

مشارکت شهروندان در اداره شهر می‌تواند تحت تأثیر ۳ عنصر قرار گیرد:

- ۱- ظرفیت، توان و آگاهی موجود بین شهروندان مشارکت‌جو؛
- ۲- ظرفیت، آمادگی و فرصت‌های موجود بین سازمان‌های مشارکت‌جو؛
- ۳- خصلت و ویژگی فعالیت‌های مورد مشارکت.

هر یک از عناصر مزبور می‌تواند امکان ورود سازمان‌یافته شهروندان را در پذیرش مسئولیت شهری، تحت تأثیر قرار داده و سطوح مشارکت آنان را در پذیرش مسئولیت «اندیشیدن، اظهارنظر، پیشنهاد، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر طرح‌های شهری» تعیین نماید و فرصت صعود از «پلکان مشارکت» را فراهم و یا محدود کند (مصطفی‌پور، ۱۳۸۶).

یکی از مهمترین عوامل در راه توسعه، میزان آگاهی شهروندان در حوزه‌های مختلف اجتماعی است که آنها را از حالت انفعال خارج می‌کند. آگاهی، فرایند سازماندهی، تعبیر، تفسیر، و ارتباط اطلاعاتی است که از سوی حواس جمع‌آوری می‌شود. به این اعتبار، دانش در مفهوم آگاهی عبارت است از مجموعه‌ای از اطلاعات منظم، تفسیر شده و مرتبط که ما دارا هستیم. آگاهی‌ها در طیف وسیعی از خرافات تا واقعیت قرار می‌گیرد که عوامل متعددی مانند سازمان‌های آموزشی، خانواده، دوستان و آشنایان، سازمان‌های علمی و وسایل ارتباط جمعی در تکوین آن نقش و دخالت دارند.

مهمترین عامل کیفیت آگاهی است که به نسبت قابل توجهی بر حسب افراد متفاوت است. برخی از مردم نسبت به مردم دیگر ناآگاه‌ترند و بعضی آگاهی دارند، اما فاقد اعتبار و بعضی دیگر آگاهی دارند، اما دقیق و مستند (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۸).

افزایش و ارتقاء سطح دانش و آگاهی شهروندان یک جامعه دارای دستاوردهای بسیار مثبتی می‌باشد و شاید برخی از دستاوردهای به دست آمده در مرحله اول محسوس و یا ملموس نباشند. (مانند ارتقاء سطح دانش شهروندان یک جامعه در رابطه با یک بیماری خاص که به دنبال آن کاهش و یا ریشه‌کنی بیماری را به دنبال خواهد داشت، ارتقاء سطح دانش شهروندان یک جامعه در رابطه با حوادث رانندگی که کاهش تصادفات و حوادث رانندگی را به دنبال خواهد داشت). ارتقاء سطح دانش، تأثیر مستقیم و مثبتی بر کیفیت زندگی شهروندان یک جامعه داشته و شرایط مناسبی را برای توسعه همه جانبه فراهم می‌نماید.

## ادبیات نظری

از نظر حقوق و تعهدات شهروندی می‌توان گفت که سه دیدگاه متفاوت در ارتباط با شهروندی وجود دارد. اگرچه دانشمندان طبقه‌بندی‌های متفاوتی از شهروندی ارائه کرده‌اند، اما آنچه که مهم است، دیدن این تئوری‌ها در ارتباط با رویکردهای کلی نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی است. بطور کلی می‌توان گفت که تئوری‌های شهروندی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- آنها که بر حقوق تأکید دارند (لیبرالیسم)؛
- ۲- آنها که بر مسئولیت‌ها تأکید دارند (اجتماع‌گرایان)؛
- ۳- آنها که بر تعادل بین حقوق و مسئولیت‌ها تأکید دارند (سوسیال دموکرات‌ها).

### ۱- تئوری‌های مبتنی بر حقوق

به گفته کیملیکا، لیبرالیسم<sup>۱</sup> بر دو فرض مقدماتی استوار است که یکی زندگی خوب و دیگری تمایز بین خویشتن افراد از هدف‌هایی است که برای تحقق آن کوشش می‌کنند. لیبرال‌ها تأکید می‌کنند که افراد باید این توانایی را داشته باشند که برای خود تصمیم بگیرند و تعیین کنند که چه زندگی خوب است. از نظر این دیدگاه، تفاسیر مختلف از زندگی خوب وجود دارد؛ بنابراین شیوه‌های مختلفی برای زندگی خوب وجود دارد. تمایز بین فرد و هدف‌های او به این معناست که وقتی کسی یک نقش اجتماعی را به عهده می‌گیرد، در واقع یک هویت اعتباری و تصادفی برای خود انتخاب کرده است که در آینده به راحتی می‌تواند آنرا تغییر دهد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۳۰).

لیبرالیسم تأکید زیادی بر افراد دارد و بیشتر بر حقوق و آزادی‌های فردی توجه دارد (آزادی‌ها یا حقوق منفی یعنی آزادی از دخالت‌های اجتماعی و دولتی). اگر چه تعداد کمی مسئولیت برای افراد (پرداخت مالیات، خدمت سربازی و ...) وجود دارد اما لیبرالیسم وزن زیادی را به حقوق منفی افراد می‌دهد (جانوسکی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸: ۱۸). این دیدگاه در دفاع از حقوق کارکردی بودن آن را مطرح می‌کند. مهمترین کارکرد از نظر آنان این است که برخورداری از حقوق استقلال را برای افراد با خود به همراه دارد. این استقلال به آنها این امکان را می‌دهد که بدون دخالت دیگران منافع خود را توسعه دهند. یکی از اولین نظریه‌پردازان لیبرال که نقش محوری برای حقوق قائل شد، لاک بود. او معتقد بود شهروند را

۱ - Liberalism

۲ - Janoski

باید در مقابل قدرت رو به رشد دولت، مورد محافظت قرار داد. بدون حقوق مدنی حیات، آزادی، مالکیت و ... افراد همواره در معرض قدرت خودسرانه سیاسی خواهد بود. <sup>۱</sup> بین در این ارتباط می‌گوید که دولت یک شر ضروری است (فالكس، ۱۳۸۱: ۷۹-۷۸).

عده‌ای دیگر از دانشمندان طور دیگر به لیبرالیسم نگاه کرده و در یک سطح بالاتر از انتزاع، رویکرد نسبت به حقوق را در قالب قرارداد اجتماعی می‌بینند. دین <sup>۲</sup> می‌گوید که: اگرچه ایده قرارداد اجتماعی، شهروند و دولت اشکال متفاوتی به خود گرفته است، اما محدوده این دیدگاه از نظرات اقتدارگرایانه هابز تا نظرات لیبرالی روسو می‌باشد. هابز به افراد توجه دارد و جامعه را "جنگ همه علیه همه" می‌داند. لذا قرارداد اجتماعی که او مطرح می‌کند، اقتدار افراد را تا حدی بخاطر ایجاد یک دولت قدرتمند (که حافظ و ضامن آزادی‌های افراد در مقابل تجاوزات دیگران باشد)، محدود می‌کند. به عبارت دیگر هابز در نظریه خود تا حدی جانب دولت بعنوان یک شر ضروری را دارد. این در حالی است که روسو تصور می‌کند که اگرچه دولت توحش انسانی بشر را که ریشه در غریزه او دارد، به محض ورود به جامعه متمدن در شکلی از قرارداد اجتماعی محدود می‌کند، اما حاکمیت را نه تنها از مردم نمی‌گیرد بلکه حافظ آن نیز هست. از نظر روسو فرایند حکومت توجه به بیان و اراده عمومی <sup>۳</sup> افراد جامعه می‌باشد. از نظریه پردازان اخیر در این سنت شامل تئوری‌های عدالت رانسیمن <sup>۴</sup> و به ویژه تئوری عدالت راولز <sup>۵</sup> هستند. او همانند هابز به چگونگی توزیع حقوق، آزادی‌ها، فرصت‌ها، قدرت، درآمد و ثروت توجه دارد. بنا بر گفته راولز، قرارداد اجتماعی همان آزادی‌های سیاسی، و محدود کردن نابرابری‌های اجتماعی و برابر کردن فرصت‌ها می‌باشد. حقوق و آزادی‌ها کانون توجه این نظریه پردازان است. به عبارت دیگر فرد و حقوق او موضوعیت محوری دارد (دین و ملروس <sup>۶</sup>، ۱۹۹۹: ۷۵-۷۴).

۱ - Been

۲ - Deen

۳ - Public will

۴ - Ranciman

۵ - Rawls

۶ - Dean & Melrose

زندگی خود دست به انتخاب می‌زند و اگر دولت نقش بی‌طرفی باید داشته باشد، پس شهروندی باید بر مبنای حقوق تعریف شود و این امر لزوماً به معنای فراموش کردن تکالیف و تعهدات شهروندی نیست، بلکه نشان می‌دهد که حقوق بنیادی تر است و بیشتر از تکالیف شهروندی مورد توجه این رویکرد است.

لیبرال‌ها معتقدند که دولت باید نسبت به شیوه زندگی افراد حالت بی‌طرف داشته باشد. یعنی اینکه دولت طرفدار شیوه خاصی از زندگی نباشد. اما اجتماع‌گرایان معتقدند که دولت باید مظهر و حافظ خیر عمومی باشد که در چارچوب و قالب مشخصی قرار دارد. برای مثال وقتی جامعه‌ای بطور تاریخی به اصول مسیحی پایبند است، تشویق فرهنگ و مناسک مسیحیت از طرف دولت کاملاً موجه شمرده می‌شود. به نظر بعضی از منتقدان، تأکید لیبرالیسم بر حقوق، جوهره شهروندی را از بین برده است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۳۳-۱۳۲).

در دهه ۱۹۷۰ میلادی اندیشه‌های لیبرالی کاملاً بر نظریه‌های سیاسی تسلط داشت. زیرا که اولویت در این اندیشه، منافع افراد محسوب می‌باشد. اما در دهه ۱۹۸۰ در واکنش به لیبرالیسم، اندیشه‌های اجتماع‌گرایان رشد و نمو پیدا کرد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۹) و در این میان انتقادهای شدیدی علیه غفلت لیبرال‌ها از مسئولیت‌های شهروندی صورت گرفته است. سوسیال محافظه‌کاران، جمهوریخواهان و اجتماع‌گرایان مخصوصاً به گونه‌ای قوی استدلال نموده‌اند که تمرکز بیش از حد بر حقوق برای کیفیت شهروندی، مضر است (فالکس، ۱۳۸۱: ۹۴).

## ۲- تئوری مبتنی بر مسئولیت‌ها

اجتماع‌گرایان<sup>۱</sup> به جای زندگی خوب، مفهوم خیر جمعی<sup>۲</sup> را مطرح می‌کنند که توافقی ضمنی بین افراد بر سر آن وجود دارد. آنها معتقدند که این مفهوم از نظر مردم تعبیر اندکی دارد که به خوبی در چارچوب و قالب سنت‌ها و بافت‌های اجتماعی گروه‌ها قرار گرفته است. به اعتقاد آنها انتخاب و تعلق داشتن به جامعه‌ای خوب، مهمتر از حق انتخاب فردی است.

آنها معتقدند که «هدف‌های من باید نشانگر آنچه باشد که من هستم». هدف‌ها عناصر سازنده هویت فردی محسوب می‌شوند و مقولاتی تصادفی و اعتباری نیستند. نفس و خویشتن، عنصری انتزاعی، شناور و معلق نیست بلکه چیزی است که به واسطه هدف‌هایی که به نوبه خود در جامعه

۱ - Communitarian

۲ - Public Good

خوب وجود دارد، شکل می‌گیرد (فیتزبریگ، ۱۳۸۱: ۱۳۱-۱۳۰).

اجتماع‌گرایان تقریباً نقطه مقابل لیبرالیسم می‌باشند. برای آنها کارکردی و کارا بودن جامعه بسیار اهمیت دارد. از نظر آنها یک جامعه از طریق حمایت‌ها و فعالیت‌های گروهی متقابل ساخته می‌شود و نه از طریق افراد اتم‌گونه (ذره‌ای) و آزادی فردی. آنها اگرچه حقوق را برای افراد در نظر می‌گیرند، اما مسئولیت‌ها برای آنها از اولویت اولی و مهمی برخوردار است. در واقع دیدگاه‌های سنتی کلیسای کاتولیک درباره جامعه به دیدگاه‌های اجتماع‌گرایان نزدیک است. هدف آنها ساخت یک اجتماع قوی بر اساس هویت مشترک متقابل، خودمختاری، مشارکت و یکپارچگی است. به نظر آنها حقوق زمانی رعایت خواهد شد که شهروندان بطور وسیع مسئولیت‌هایشان را رعایت کنند. نئومحافظه‌کاران و جمهوری‌خواهان مدنی نیز در این رویکرد قرار می‌گیرند.

در دیدگاه جمهوری‌خواهان مدنی<sup>۱</sup> مفهوم شهروندی تأکید بر عمل و وظایف دارد. شبکه روابط اجتماعی بر خلاف فردگرایی لیبرال، قراردادی نیست بلکه بر اساس اشتراک و تعیین یک روش زندگی است. این روش زندگی یک تعهد مشترک به عمل است. در واقع فرایندی است که موجب همبستگی و وفاق اجتماعی می‌شود (الدفیلد، ۱۹۹۰؛ به نقل از ترنر و همیلتون، ۱۹۹۴: ۱۸۹). شهروندی جمهوری‌گرایانه دارای چهار جزء اصلی است که دو جزء آن با برداشت لیبرالی مشترک است:

اول اینکه: شهروند جمهوری‌گرا مطمئناً از یک مجموعه حقوق برخوردار است که هم به منظور نیل به اهداف و مقاصد خصوصی و هم ایفای نقش عمومی لازم و ضروری است. دوم اینکه: همراه و ملازم با این حقوق، مجموعه تکالیفی نیز وجود دارد. حقوق و تکالیف مهم هستند، اما از منظر جمهوری‌گرایانه، شهروندی بیشتر متضمن تعهدات است. سوم اینکه: شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن فعال در جهت دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است و به طور کلی‌تر به دنبال تقویت و ارتقای منافع مشترک جامعه سیاسی است. چهارم اینکه: شهروندی جمهوری‌گرا نقش فعالی در صحنه‌های رسمی ایفا می‌کند. مشارکت سیاسی صرفاً به منظور نظارت بر زیاده‌روی حکومت یا به منظور تقویت منافع بخش خصوصی



انجام نمی‌گیرد. بلکه به عنوان راهکاری جهت بیان تعهدات نسبت به اجتماع صورت می‌گیرد. دو جزء اول شهروندی جمهوری‌گرایانه با شهروندی لیبرال مشترک است یعنی اول وجود حقوق و دوم التزام به تکالیف. اما از دو جهت شهروندی جمهوری‌گرایانه دشوار و پرمسئولیت می‌نمایند: اول اینکه شهروندان را ملزم می‌کند تا به اندازه کافی انگیزه داشته باشند وظایف سیاسی و نیمه سیاسی را که شهروندی مستلزم آن است، انجام دهند. دوم اینکه: شهروندان را ملزم می‌کند که مسئولانه عمل نمایند. آنها صرفاً در تصمیم‌گیری‌های عمومی ذی‌نفع نیستند، بلکه باید تلاش کنند که خیر مشترک و مصلحت عمومی را ارتقاء بخشند (میلر، ۱۳۸۱: ۱۳۰-۱۲۸).

دین در قالب سنت همبستگی اجتماعی به این رویکرد نگاه می‌کند. او می‌گوید در حالیکه دیدگاه قرارداد اجتماعی (لیبرالیسم)، بر جنگ همه علیه همه تأکید دارد؛ از نقطه نظر این دیدگاه (اجتماع‌گرایان) "وابستگی همه به همه" اهمیت دارد. این سنت به دو صورت متمایز ظهور کرد که یکی سنت دموکراتیک مسیحی محافظه‌کار و دیگری اصلاح‌طلبان و سوسیال دموکرات‌ها می‌باشند. آنها معتقدند که جامعه و همبستگی بین افراد و دولت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا برای حفظ همبستگی، افراد باید این را بدانند که هیچ چیز بدون دیگران وجود ندارد. به همین خاطر رعایت وظایف و مسئولیت‌ها در این دیدگاه اهمیت خاصی دارد.

ریشه دموکراتیک مسیحی شامل آموزه‌های کاتولیک درباره ماهیت خیر جمعی<sup>۱</sup> و مسئولیت متقابل بین افراد است؛ یعنی همان تعهد به اهداف و منافع جمعی گروه و جامعه. این نوع از همبستگی به وفاق و یکپارچگی اجتماعی توجه دارد. اما در ماهیت چنین دیدگاهی، عام‌گرایی وجود ندارد و بیشتر وفاق و یکپارچگی را در گروه‌های خاصی (مانند مسیحیان کاتولیک) جستجو می‌کند. ریشه دوم مفهوم همبستگی دیدگاه سوسیال دموکرات است. این دیدگاه به نهادها و جنبش‌های اجتماعی توجه دارد و آن را به عنوان امکانی برای توانمندسازی جامعه می‌داند. موضوع محوری در این نظریه اجتماعی، زنان و مردانی مسئول است که برای هدف‌های عمومی با همکاران و همقطاران خود تلاش می‌کنند. همبستگی در دیدگاه دموکراتیک مسیحی، یک مفهوم برابری‌خواهانه نیست. اما در دیدگاه سوسیال دموکرات برابری، نقش محوری<sup>۲</sup> دارد (دین و ملروس، ۱۹۹۹: ۷۹-۷۶).

اجتماع‌گرایان می‌گویند اگر فرد موجودی اجتماعی است، اگر شهروندی به معنای هم‌آوازی با

۱ - Common Good

۲ - Pivotal Role

خیر جمعی تعریف شود و اگر دولت باید مظهر و حافظ این خیر باشد، پس شهروندی باید بر پایه وظایف و تعهدات شهروندی تعریف شود و این لزوماً به معنای فراموش کردن حقوق نیست بلکه نشانگر اهمیت بنیادی تر وظایف و تعهدات شهروندی است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۳۳). محافظه کاران نیز مانند لیبرال‌ها مورد انتقاد قرار گرفتند. آنها دیدگاه ساده‌انگارانه‌ای درباره کارگزاران انسانی دارند و نقش نابرابری‌های قدرت را نادیده می‌گیرند. از اینرو فقدان احساس تعهد به جامعه را نه یک مشکل اجتماعی وسیع‌تر، بلکه قصوری از جانب فرد تلقی می‌کنند (فالکس، ۱۳۸۱: ۹۸).

### ۳- تئوری‌های تعادل بین حقوق و مسئولیت‌ها

بحث لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایان حائز اهمیت است، زیرا نشانگر آنست که شهروندی هم عنصری منفعل و هم عنصری فعال دارد. وجوه انفعالی همان است که هابرماس «عضویت دریافت شده»<sup>۱</sup> می‌نامد. در این معنا شهروند از وضعیت حقوق تعریف شده‌ای برخوردار است و مشارکت چندانی در نهادها، روابط و رویه‌هایی که تضمین‌کننده ثبات آن وضعیت است، ندارد. وجوه فعال شهروندی از دیدگاه هابرماس «عضویت کسب شده»<sup>۲</sup> می‌باشد. در این معنا شهروندی مستلزم مشارکت فعال و جذب شدن فرد در جامعه‌ای است که هویت او را می‌سازد. نکته‌ای را که نباید فراموش کرد اینکه نظریه پردازان اندکی هستند که بر یکی از عضویت‌های دریافت شده یا کسب شده تأکید می‌کنند؛ اما بطور کلی می‌توان گفت که لیبرال‌ها بر عضویت دریافت شده و اجتماع‌گرایان بر عضویت کسب شده، تأکید دارند (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

بطور کلی نمی‌توان بر یک جنبه حقوق یا مسئولیت‌ها تأکید کرد، بلکه نیاز به نظریه‌ای کل‌نگر در مورد شهروندی است که وابستگی متقابل حقوق و مسئولیت‌ها را با هم می‌بیند و این بدان معنا نیست که باید یکی از آنها را بر دیگری وابسته کنیم. برای مثال وابسته ساختن حقوق به کار باعث می‌شود که فرصت فرد برای پرورش حس تعهد به جامعه از او ستانده شود. لذا شهروندان جامعه باید در شرایطی به سر ببرند که در انجام مسئولیت‌های شهروندی کاملاً احساس اختیار و آزادی عمل داشته باشند (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

۱ - Received Membership

۲ - Achieved Membership

دیدگاهی که حقوق و مسئولیت‌های شهروندی را در حالت تعادل می‌بیند، نظریه سوسیال دموکراتیک<sup>۱</sup> است. این نظریه کمتر شناخته شده است و در واقع یک نظریه سازشی است که موقعیت میانی را بین لیبرالیسم و اجتماع‌گرایان دارد. نظریه سوسیال دموکرات هم بر حقوق و هم بر مسئولیت‌ها تأکید دارد. موقعیت میانجی‌گرایانه این تئوری بر اساس نظریات مارک وارن درباره حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است. او تأکید لیبرالیسم بر حقوق فردی برای تحرک اجتماعی و تأکید اجتماع‌گرایان را بر مسئولیت‌ها برای ارتقاء گروه و اجتماع، رد می‌کند. او بر تعادل حقوق و مسئولیت‌های فردی و گروهی و روابط رقابتی تعاونی، توجه و تأکید خاصی دارد. بطور کلی می‌توان گفت که نظریه پردازان اخیر حوزه شهروندی بر تعادل میان این دو تأکید دارند (جانوسکی، ۱۹۹۸).

در ادبیات جامعه شناختی معاصر، بسیاری از مسائل اجتماعی از منظر نظریه‌های شهروندی مورد بررسی قرار می‌گیرند. امروزه شهروندی از جذابیت‌های زیادی برخوردار است و اکثر نوشته‌ها در حوزه مسائل اجتماعی با تأکید زیاد بر این ایده آغاز می‌شوند. موضوعاتی چون فقر، دموکراسی، مشارکت زنان، توسعه، اقلیت‌ها و حتی محیط زیست از منظر شهروندی مورد تحلیل قرار می‌گیرند (شیانی، ۱۳۸۲). مبنای نظری این تحقیق تئوری پارسونز، مارشال و جانوسکی است.

**تی.اچ. مارشال:** بنا بر گفته‌های مارشال، شهروندی ظرفیت و شایستگی عضویت در یک جامعه است. «شهروندی منزلتی اعطا شده به آنهایی است که اعضاء کامل یک اجتماع هستند، همه آنهایی که این منزلت را دارا هستند، نسبت به حقوق و وظایفی که این منزلت به آنها بخشیده، برابرند» (ترنر و همیلتون، ۱۹۹۴). تی.اچ. مارشال سه نوع حقوق را از هم باز می‌شناسد که شامل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی است.

۱- حقوق مدنی شامل آزادی بیان، فکر و عقیده، حقوق مربوط به مالکیت، قرارداد و عدالت می‌باشد.

۲- حقوق سیاسی شامل حق شرکت در تصمیمات عمومی و حق رأی است.

۳- حقوق اجتماعی شامل امنیت، رفاه و سهم شدن در میراث اجتماعی و زندگی در جامعه بر اساس استانداردهای متداول زندگی است.

مارشال به حقوق سه‌گانه به صورت تاریخی می‌نگرد و برای آن دوره‌های مختلفی قائل شده است. البته این طبقه‌بندی کاملاً جامع و مانع نیست. به عقیده او حقوق مدنی در قرن هجدهم و

حقوق سیاسی در قرن نوزدهم و حقوق اجتماعی در قرن بیستم گسترش یافته‌اند (وود و آیزن<sup>۱</sup> ۱۹۹۹: ۲۶).

مارشال توسعه تاریخی شهروندی را به توسعه سرمایه‌داری ارتباط می‌دهد. او مخصوصاً به توسعه حقوق شهروندی بعنوان یک نظام برابر، با توسعه سرمایه‌داری بعنوان یک نظام نابرابر علاقه‌مند بود (نش، ۱۳۸۲: ۱۹۲). تی. اچ مارشال معتقد است که اگرچه شهروندان با هم برابرند، اما طبقات اجتماعی در وضع نابرابری به سر می‌برند. او از دولت رفاه به مثابه ابزاری برای برابر کردن موقعیت‌ها و حذف نابرابری‌های غیر عادلانه حمایت می‌کرد، ولی در عین حال معتقد بود که نابرابری‌ها موجه باید بمانند؛ زیرا که لازمه یک اقتصاد سالم‌اند و علاوه بر آن منعکس‌کننده تفاوت‌ها و قابلیت‌های فردی محسوب می‌شوند (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۷۳).

**پارسونز:** شهروندی در معنای کامل کلمه، از نظر پارسونز نتیجه ظهور سرمایه‌داری مدرن یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، سکولار شدن و عقلانیت است، که بستر مناسبی برای رشد آن فراهم آوردند. از دید پارسونز «شهروندی مدرن نیازمند یک عامل سیاسی است که دیگر با خاص‌گرایی‌های تولد، قدمت و جنسیت محدود و مقید نشود». پارسونز الگوی نظری شهروندی را براساس نظام جامعه‌ای خود ارائه می‌دهد. در شکل ۲-۲ چگونگی ارتباط و پیوند دوسویه میان نظام جامعه<sup>۲</sup> و حقوق و وظایف شهروندی آمده است (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۰: ۳۳).

مفهوم شهروندی از دیدگاه پارسونز، عضویت کامل در آن چیزی است که پارسونز آنرا اجتماع جامعه‌ای می‌نامد. اجتماع جامعه‌ای اشاره به بخشی از جامعه دارد که بعنوان یک نظام یک گمیشافت را تشکیل می‌دهد و بر همبستگی و وفاداری متقابل اعضا تأکید دارد. از دیدگاه پارسونز اجتماع جامعه‌ای، مقوله‌ای از تعهد اعضا به یکدیگر و جمعی است که در آن گرد آمده‌اند. برای به وجود آمدن چنین وضعیتی، ساختار انجمنی باید مطابق ارزش‌های مشترک جامعه باشد. در این صورت اعضا به یکدیگر تعهد پیدا می‌کنند؛ زیرا ارزش‌های مشترک دارند و علائق و منافعشان با علائق و منافع دیگران در ارتباط است (پارسونز، ۱۹۶۵؛ به نقل از ترنر و همیلتون، ۱۹۹۴: ۱۴۷-۱۴۱).

**جانوسکی:** از نظر جانوسکی «شهروندی، عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت-ملت با

۱ - Wood & Isin

۲ - Social System

حقوق و مسئولیت‌های عام‌گرایانه معین در سطح ویژه‌ای از برابری است» (جانوسکی، ۱۹۹۸). جانوسکی را می‌توان در زمره نویسندگانی قرار داد که هم بر حقوق و هم بر مسئولیت‌های شهروندی بطور همزمان تأکید دارد.

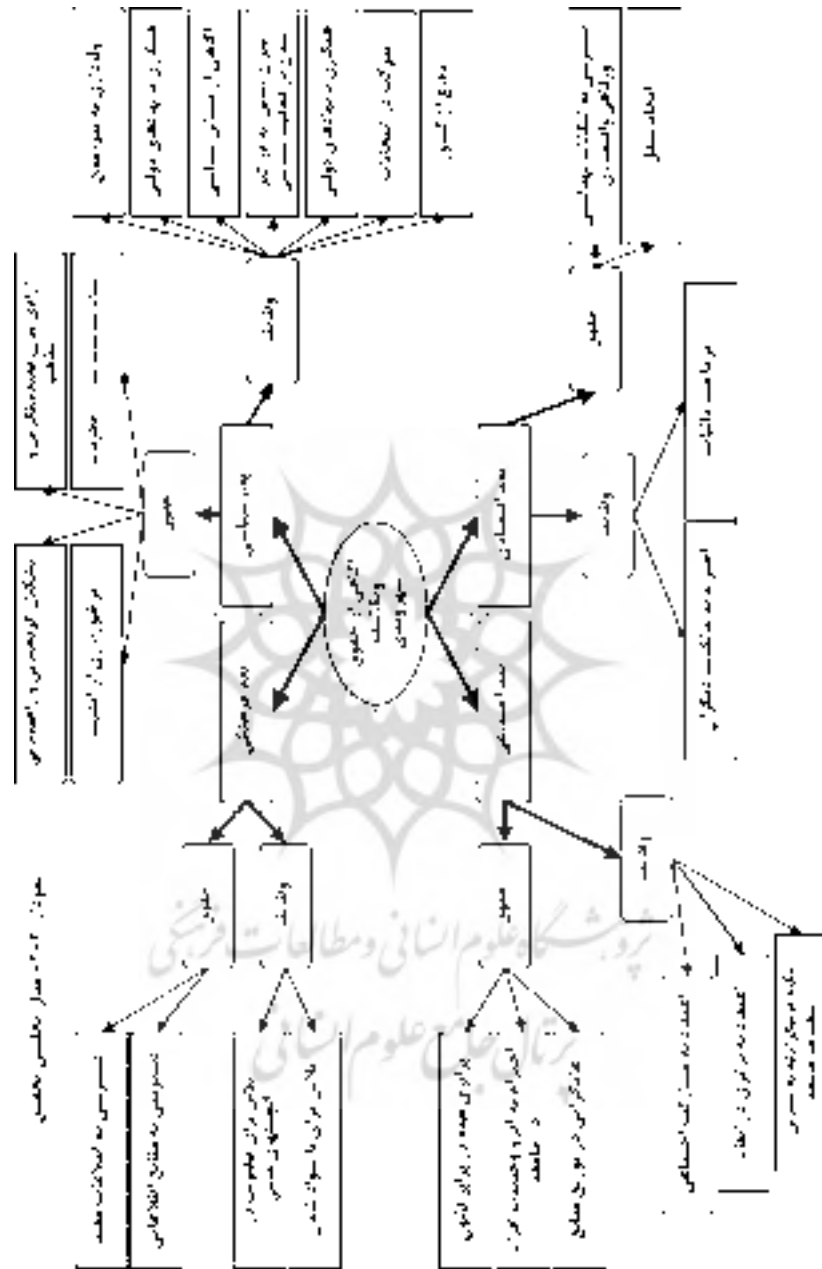
جانوسکی معتقد است که برای رسیدن به حقوق شهروندی باید دست از مبارزه اجتماعی برداشت. شهروندان تقاضای حقوق دارند ولی موفقیت آنها وابسته به جاری شدن قدرت حزب‌های سیاسی، گروه‌های ذی‌نفع و جنبش‌های اجتماعی می‌باشد (جانوسکی، ۱۹۹۸: ۱). مسئولیت‌ها در نیمه اول قرن بیستم نادیده گرفته شده بودند و آن هم بخاطر وجود حکومت‌های حاکم بر جوامع انسانی بود. اما بعد از جنگ دوم جهانی، مسئولیت‌ها مورد توجه قرار گرفتند و بیشتر مباحث و نوشته‌های موجود درباره مسئولیت‌ها به مسائلی همچون مراقبت از خانواده، گسترش آموزش، حفاظت از ملت و ... توجه داشتند (جانوسکی، ۱۹۹۸: ۷۵). جانوسکی حقوق و تعهدات شهروندی را بر چهار قسم قانونی، اجتماعی، سیاسی و مشارکتی می‌داند.

### چارچوب نظری تحقیق

اگرچه ادبیات نظری مفصلی در ارتباط با شهروندی وجود دارد ولی آنچه که مبنای این تحقیق در تعریف شهروندی است، نظریات تی. اچ مارشال است. دلیل انتخاب چنین نظریه‌ای نزدیک بودن تعریف مارشال (۱۹۴۵)، به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران است. زیرا تعاریف متأخر از شهروندی (ترنر، کیملیکا، فالكس و ...) با توجه به فرایندهای جهانی شدن، مباحث پست‌مدرنیستی، گروه‌ها، اقلیت‌ها، نژادپرستی جدید، گروه‌های همجنس باز و ... می‌باشد. پس شهروندی، ظرفیت و شایستگی عضویت در یک جامعه است. «شهروندی منزلتی اعطا شده به آنهایی است که اعضاء کامل یک اجتماع هستند، همه آنهایی که این منزلت را دارا هستند، نسبت به حقوق و وظایفی که این منزلت به آنها بخشیده، برابرند».

بر اساس نظریات پارسونز جامعه به چهار بخش اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم می‌شود که شهروندان در حوزه‌های مختلف حقوق و تعهداتی<sup>۱</sup> دارند. در ادامه نیز حقوق و تعهدات شهروندی بر اساس نظریات جانوسکی مبنای سنجش و پیمایش این تحقیق قرار گرفته است. در زیر مدل تحلیلی تحقیق در قالب نمودار (۲-۲) گزارش می‌شود:

۱- لازم به ذکر است که این حقوق و تعهدات برگرفته از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.



شکل ۱: مدل مفهومی توسعه اقتصادی و اجتماعی

### روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایش انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق شهروندان بالای ۱۶ سال شهر تهران است. حجم نمونه تحقیق بعد از حذف پرسشنامه‌های نامناسب (نیمه تمام) به میزان ۷۶۷ نفر است که ۳۴۳ نفر آن را زنان و ۴۲۴ نفر از آن را مردان تشکیل می‌دهند. شیوه نمونه‌گیری تحقیق نیز ترکیبی از شیوه‌های نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی ساده است.

### اعتبار و روایی تحقیق

در تحقیق حاضر از اعتبار سازه‌ای به روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شده است. همچنین در بررسی روایی تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره (۱) گزارش شده است.

جدول ۱- ضریب روایی مقیاس‌ها در پرسشنامه نهایی

پرسشنامه نهایی		متغیرها	پرسشنامه نهایی		متغیرها
ضریب روایی	تعداد گویه‌ها		ضریب روایی	تعداد گویه‌ها	
۰/۶۴۵۱	۳	آگاهی از حقوق اجتماعی	۰/۶۶۳۵	۳	آگاهی از حقوق اقتصادی
۰/۵۰۱۷	۷	آگاهی از تعهدات اجتماعی	۰/۴۱۲۳	۲	آگاهی از تعهدات اقتصادی
۰/۶۰۰۱	۶	آگاهی از حقوق سیاسی	۶۲/۵۸	۲	آگاهی از حقوق فرهنگی
۰/۷۷۶۲	۱۱	آگاهی از تعهدات سیاسی	-----	۱	آگاهی از تعهدات فرهنگی
			۰/۶۶۱۸	۱۲	مشارکت اجتماعی

### یافته‌ها

#### توصیف متغیرهای زمینه‌ای

نمونه تحقیق حاضر شامل ۵۵/۴ درصد مرد و حدود ۴۴/۶ درصد زن هستند. میانگین سنی زنان ۳۷/۲۳ و میانگین سنی مردان ۳۷/۳۹ است. حداقل و حداکثر سن در این تحقیق به ترتیب ۱۶ و ۸۶ سال می‌باشد. از حیث تحصیلات نیز دیپلم، دارای بیشترین فراوانی در بین پاسخگویان بوده

است. میانگین تحصیلات مردان ۹/۸۴ و در مورد زنان در حدود ۱۱/۰۹ است. این درحالی است که میانگین تحصیلات پدر پاسخگویان ۶/۷۳ و میانگین تحصیلات مادر پاسخگویان ۵/۴۴ است. حدود ۶۳ درصد افراد متأهل، ۳۱ درصد آنها مجرد و حدود ۶ درصد افراد مجرد بر اثر طلاق و یا فوت همسر هستند. ۲۸/۲ درصد پاسخگویان شاغل، ۶/۳ درصد بیکار، ۴۰/۲ درصد خانه‌دار، حدود ۱ درصد سرباز، ۶/۶ درصد دانشجو و حدود ۸/۹ درصد دانش‌آموز هستند. میانه درآمد برای افراد ۳۰۰/۰۰۰ تومان می‌باشد یعنی اینکه ۵۰ درصد افراد درآمدی پایین‌تر از ۳۰۰۰۰۰ تومان دارند. حدود ۷۰/۹ درصد در منزل شخصی، حدود ۲۶ درصد در خانه‌های استیجاری و حدود ۰/۴ درصد در منازل سازمانی سکونت دارند. از میان کل پاسخگویان حدود ۶۷ درصد تهرانی (متولد تهران) و ۳۳ درصد غیر تهرانی (متولد شهرهای دیگر) هستند. همچنین در حدود ۹۹ درصد پاسخگویان شیعه، ۰/۸ درصد سنی، ۰/۱ درصد مسیحی و ۰/۱ درصد کلیمی می‌باشند.

## توصیف و تحلیل متغیرهای اصلی

### مشارکت اجتماعی

بر اساس نتایج بدست آمده تحقیق، ۷۵ درصد از زنان دارای مشارکت کم در حوزه عمومی بوده‌اند که این میزان در میان مردان حدود ۸۰ می‌باشد. همچنین ۳/۱ درصد زنان مشارکت زیاد داشته‌اند، در حالی که این میزان در بین مردان حدود ۱/۶ درصد است. بنابراین بطور کلی می‌توان گفت که مشارکت مردان در حوزه عمومی نسبت به زنان کمتر بوده است. همچنین در ارتباط با میزان مشارکت پاسخگویان در گروه‌ها و انجمن‌های مختلف می‌توان گفت که انجمن‌های مذهبی با میانگین ۲۳/۷۹ بیشترین میزان مشارکت را به خود اختصاص داده است. بطور کلی میزان مشارکت در اصناف در حدود ۳/۷۷، ادبی هنری ۵/۴۳، اولیاء و مریبان ۱۱/۴۶، علمی ۶/۲۶، خیریه ۲۱/۸۵، ورزشی ۱۲ و بسیج ۱۱/۷۴ می‌باشد.



جدول ۲- میانگین و انحراف معیار مشارکت افراد در انجمن‌های مختلف

بسیج	ورزشی	خیریه	علمی	اولیامریان	ادبی هنری	مذهبی	صنفی	
۱۱/۷۴	۱۲	۲۱/۸۵	۶/۲۶	۱۱/۴۶	۵/۴۳	۲۳/۷۹	۳/۷۷	میانگین
۲۴/۶۱	۲۳/۹۸	۳۲/۸۹	۱۸/۴۱	۲۴/۵۹	۱۷/۰۳	۳۱/۲۹	۱۳/۹	انحراف معیار

### آگاهی شهروندی

همانطور که پیش از این نیز اشاره شد موضوع این تحقیق میزان آگاهی شهروندان از حقوق و تعهدات شهروندی است. آگاهی شهروندی بنابر نظریات پارسونز به چهار بعد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تقسیم شده است که در زیر نتایج تک‌تک این ابعاد گزارش می‌شود.

### آگاهی فرهنگی

از ترکیب گویه‌های فوق شاخص آگاهی از حقوق، تعهدات و در نهایت آگاهی فرهنگی ساخته شده است. در حدود ۹۱/۲ درصد زنان دارای آگاهی به حقوق فرهنگی بوده‌اند، در حالی که این میزان در نزد مردان حدود ۸۸/۹ درصد است. همچنین ۹۲/۱ درصد زنان از تعهدات فرهنگی آگاهی زیاد داشته‌اند در حالی که این میزان در نزد مردان حدود ۹۵/۵ درصد است. میانگین آگاهی از حقوق و تعهدات فرهنگی به ترتیب ۷۵/۳۳ و ۸۵/۶۶ است. نتایج شاخص آگاهی فرهنگی که از ترکیب بعد حقوق و تعهدات ساخته شده است نیز نشان می‌دهد که حدود ۸۸/۳ درصد زنان آگاهی زیاد داشته‌اند، در صورتی که این میزان در نزد مردان در حدود ۹۰/۳ درصد است. در ضمن میانگین آگاهی فرهنگی ۷۷/۸۱ می‌باشد. جدول (۳) آگاهی فرهنگی را به تفکیک جنس گزارش می‌کند:

جدول ۳- توزیع فراوانی نسبی افراد بر حسب آگاهی فرهنگی به تفکیک جنس

N	جمع کل	بی جواب	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۳۴۳	۱۰۰	۱/۲	۵۱/۹	۳۶/۴	۷/۳	۲/۶	۰/۶	زن(درصد)
۴۲۴	۱۰۰	۰/۹	۵۱/۵	۳۸/۸	۵/۲	۳/۳	۰/۲	مرد(درصد)
۷۶۷	۱۰۰	۱	۵۱/۷	۳۷/۷	۶/۱	۳	۰/۴	کل(درصد)
میان = ۸۱/۷۶			انحراف معیار = ۱۶/۸۱			میانگین = ۷۷/۸۱		

### آگاهی اقتصادی

از ترکیب گویه‌های فوق شاخص آگاهی از حقوق، تعهدات و در نهایت آگاهی اقتصادی ساخته شده است. در بعد آگاهی از حقوق اقتصادی در حدود ۵۱/۶ درصد زنان آگاهی زیاد داشته‌اند، در حالی که این میزان در نزد مردان در حدود ۹۰/۱ درصد است. در بعد آگاهی از تعهدات اقتصادی نیز در حدود ۳۸/۷ درصد زنان آگاهی زیاد و در حدود ۴۰ درصد مردان آگاهی زیاد داشته‌اند. میانگین آگاهی از حقوق و تعهدات اقتصادی به ترتیب ۷۶/۱۷ و ۵۳/۱۳ است. شاخص آگاهی اقتصادی شهروندان که از ترکیب بعد حقوق و تعهدات ساخته شده، به این صورت بوده است که در حدود ۸۷/۴ درصد زنان آگاهی زیاد و در حدود ۹۰/۱ درصد مردان آگاهی زیاد داشته‌اند. میانگین آگاهی اقتصادی نیز ۶۴/۶۵ بوده است. جدول (۴) آگاهی اقتصادی را به تفکیک جنس گزارش می‌کند:

جدول ۴- توزیع فراوانی نسبی افراد بر حسب آگاهی اقتصادی به تفکیک جنس

n	جمع کل	بی جواب	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۳۴۳	۱۰۰	۱/۵	۴۴	۴۳/۴	۸/۲	۲/۱	۰/۹	زن(درصد)
۴۲۴	۱۰۰	۰/۹	۴۶/۸	۴۳/۳	۷/۳	۱/۲	۰/۵	مرد(درصد)
۷۶۷	۱۰۰	۱/۲	۴۵/۶	۴۳/۳	۷/۷	۱/۶	۰/۷	کل(درصد)
میان = ۶۵/۱۱			انحراف معیار = ۱۳/۵۸			میانگین = ۶۴/۶۵		

### آگاهی اجتماعی

از ترکیب گویه‌های فوق شاخص آگاهی از حقوق، تعهدات و در نهایت آگاهی اجتماعی ساخته شده است. در بعد آگاهی از حقوق اجتماعی در حدود ۹۵/۳ درصد از زنان آگاهی زیاد در حالی که در حدود ۹۲/۹ درصد از مردان آگاهی زیاد داشته‌اند. در بعد تعهدات نیز در حدود ۸/۲۷ درصد زنان آگاهی زیاد داشته‌اند، در صورتی که در نزد مردان این میزان حدود ۲۸/۷ درصد است. میانگین آگاهی از حقوق و تعهدات اجتماعی به ترتیب ۸۴/۰۲ و ۴۹/۷۳ است. شاخص آگاهی اجتماعی از ترکیب حقوق و تعهدات ساخته شده است، بنابراین در حدود ۵۸/۷ درصد از زنان آگاهی زیاد داشته‌اند، در حالی که در حدود ۶۳/۳ درصد از مردان آگاهی زیاد داشته‌اند. لازم به ذکر است که میانگین آگاهی اجتماعی شهروندان در حدود ۶۳/۷۱ است. جدول (۵) آگاهی اجتماعی را به تفکیک جنس گزارش می‌کند:

جدول ۵- توزیع فراوانی نسبی افراد بر حسب آگاهی اجتماعی به تفکیک جنس

n	جمع کل	بی جواب	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۳۴۳	۱۰۰	۲/۳	۱۰/۶	۴۸/۱	۳۴/۶	۳/۸	۰/۶	زن(درصد)
۴۲۴	۱۰۰	۳/۱	۱۲/۲	۵۱/۱	۲۸	۵/۶	۰/۰	مرد(درصد)
۷۶۷	۱۰۰	۲/۷	۱۱/۵	۴۹/۷	۳۰/۹	۴/۸	۰/۳	کل(درصد)
میان = ۶۳/۴۸			انحراف معیار = ۱۴/۰۲			میانگین = ۶۳/۷۱		

### آگاهی سیاسی

از ترکیب گویه‌های فوق، شاخص آگاهی از حقوق، تعهدات و در نهایت آگاهی سیاسی ساخته شده است. در بعد آگاهی از حقوق سیاسی در حدود ۵۵/۲ درصد از زنان و در حدود ۵۱/۵ درصد از مردان آگاهی زیاد داشته‌اند. در بعد تعهدات نیز در حدود ۵۶/۳ درصد زنان آگاهی زیاد داشته‌اند در صورتی که در نزد مردان این میزان حدود ۵۲/۳ درصد است. میانگین آگاهی از حقوق و تعهدات سیاسی به ترتیب ۶۳/۰۱ و ۶۰/۷۹ است. شاخص آگاهی سیاسی از ترکیب حقوق و تعهدات ساخته شده است، بنابراین در حدود ۳۴ درصد از زنان آگاهی زیاد در حالی که در حدود ۳۳/۶ درصد از مردان آگاهی زیاد داشته‌اند. لازم به ذکر است که میانگین آگاهی سیاسی شهروندان در حدود ۵۵/۰۹ است. جدول (۶) آگاهی سیاسی را به تفکیک جنس گزارش

می کند:

جدول ۶- توزیع فراوانی نسبی افراد بر حسب آگاهی سیاسی به تفکیک جنس

n	جمع کل	بی جواب	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۳۴۳	۱۰۰	۵/۶	۸/۸	۲۵/۲	۴۴/۹	۱۲/۹	۲/۶	زن(درصد)
۴۲۴	۱۰۰	۷/۳	۸/۲	۲۵/۴	۴۲/۱	۱۳/۹	۳/۱	مرد(درصد)
۷۶۷	۱۰۰	۶/۵	۸/۵	۲۵/۳	۴۳/۳	۱۳/۴	۲/۹	کل(درصد)
میانگین = ۵۴/۷۴		انحراف معیار = ۱۷/۴۳			میانگین = ۵۵/۰۹			

### آگاهی شهروندی از حقوق و تعهدات شهروندی

اصلی ترین متغیر این تحقیق، آگاهی شهروندان از حقوق و تعهدات شهروندی است که در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در صفحات پیشین گزارش شد. بعبارت دیگر شاخص آگاهی شهروندی ترکیبی از ابعاد مختلف قبلی است. میانگین این شاخص ۶۳/۷۵ بوده و همچنین میانگین آن ۶۲/۴۲ است. به این معنا که ۵۰ درصد پاسخگویان بالاتر و ۵۰ درصد پایین تر از این عدد قرار دارند. حدود ۴۰/۱ درصد زنان آگاهی زیاد داشته اند، در صورتی که حدود ۳۶/۲ درصد مردان آگاهی شهروندی زیاد دارند. بطور کلی میانگین آگاهی مردان در حدود ۶۳/۵۱ بوده است که با کمی اختلاف، بیش از آگاهی زنان است که در حدود ۶۳/۲۴ می باشد.

جدول ۷- توزیع فراوانی نسبی افراد بر حسب آگاهی شهروندی به تفکیک جنس

N	جمع کل	بی جواب	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۳۴۳	۱۰۰	۷/۹	۱۰/۹	۲۹/۳	۳۹	۱۰/۹	۲/۱	زن(درصد)
۴۲۴	۱۰۰	۱۰/۶	۱۰/۶	۲۵/۶	۴۲/۴	۸/۵	۲/۴	مرد(درصد)
۷۶۷	۱۰۰	۹/۴	۱۰/۷	۲۷/۳	۴۰/۹	۹/۵	۲/۲	کل(درصد)
میانگین آگاهی مردان = ۶۳/۵۱				میانگین آگاهی زنان = ۶۳/۲۴				
میانگین = ۶۲/۴۲		انحراف معیار = ۱۷/۵۱			میانگین = ۶۳/۷۵			

### آگاهی سیاسی در موقعیت‌های عملی

جدول (۸) در ارتباط با سؤالی است که درباره میزان آگاهی مردم از وضعیت و مسائل سیاسی - اجتماعی جامعه پرسیده شده است. سؤال به این شکل بوده است که نام سه نفر از وزیران دولت نهم را نام ببرید. همانطور که از جدول قابل استنتاج است حدود ۶۹/۹ درصد پاسخگویان نام کسی را ذکر نکرده‌اند، حدود ۱۲/۵ درصد نام یک وزیر را ذکر کرده‌اند، حدود ۹/۳ درصد نام دو وزیر و تنها ۸/۳ درصد توانسته‌اند نام سه وزیر را بطور کامل ذکر کنند. این یافته به نوعی میزان آگاهی مردم را در موقعیت‌های عملی نشان می‌دهد که آن هم بسیار پایین و قابل توجه است طوری که انجام مطالعات پیگیر - جهت بررسی علل و عوامل موثر بر آن - را ضروری می‌نمایاند.

#### جدول ۸- توزیع فراوانی نسبی افراد بر حسب نوع پاسخ به سؤال نام سه نفر از وزیران

درصد تراکمی	درصد	فراوانی	
۶۹/۹	۶۹/۹	۵۳۶	۰ نفر (بدون ذکر نام)
۸۲/۴	۱۲/۵	۹۶	۱ نفر
۹۱/۷	۹/۳	۷۱	۲ نفر
۱۰۰	۸/۳	۶۴	۳ نفر
	۱۰۰	۷۶۷	جمع

#### مقایسه شاخص‌های آگاهی

جدول (۹) میانگین، میانه، انحراف معیار و درصد بی‌جواب‌ها را برای تمامی ابعاد آگاهی بصورت یکجا نشان می‌دهد. همانطور که از جدول پیداست غیر از بعد فرهنگی در بقیه ابعاد میانگین آگاهی از حقوق بیشتر از تعهدات است. این تفاوت میانگین ناشی از عدم تعادل حقوق و تعهدات در جهان واقع می‌باشد. بعبارت دیگر چون مردم از وضعیت حقوق شهروندی رضایت ندارند، لذا تعهدات متناسب با آن را نه می‌شناسد و نه رعایت می‌کنند. از دیگر نکات قابل توجه جدول فوق، بالا بودن میزان درصد "بی‌جواب"ها در بعد آگاهی سیاسی است که در حدود ۶/۵ درصد است. این میزان در مقایسه با ابعاد دیگر یعنی آگاهی اجتماعی (۲/۷)، آگاهی فرهنگی (۱) و آگاهی اقتصادی (۱/۲)، بسیار بالاتر است که می‌تواند نشان از محافظه‌کاری سیاسی پاسخگویان

در جوابگویی به سؤالات تحقیق باشد. از دیگر نتایج قابل توجه که در جدول فوق مندرج است، بررسی تفاوت میانگین‌های حقوق و تعهدات است. طبق نظر صاحب‌نظرانی چون کاتوزیان و پیران، در جوامعی که حقوق مردم مورد عنایت قرار نمی‌گیرد و نسبت به آن بی‌توجهی وجود دارد، شهروندان نیز تعهدات متناسب با آن را نه می‌شناسند و نه رعایت می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۹۰-۳۸۰ و پیران، ۱۳۸۵). بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد که بین میانگین حقوق و تعهدات شهروندی تفاوت معناداری وجود دارد، یعنی پایین بودن میانگین تعهدات نسبت به حقوق حاصل شانس و اتفاق نیست و نیازمند بررسی‌های بیشتر نیز می‌باشد. بعبارت دیگر این نتایج می‌تواند تئوری صاحب‌نظرانی چون کاتوزیان و پیران را تأیید کند.

جدول ۹- شاخص‌های مرکزی و پراکندگی آگاهی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانه	بی‌جواب
آگاهی اقتصادی	۶۴/۶۵	۱۳/۵۸	۶۵/۱۱	۱/۲
حقوق	۷۶/۱۷	۱۵/۳۹	۷۹/۵۲	۰/۷
تعهدات	۵۳/۱۳	۲۲/۳۸	۵۸/۵۵	۱/۲
آگاهی فرهنگی	۷۷/۸۱	۱۶/۸۱	۸۱/۷۶	۱
حقوق	۷۲/۳۳	۱۸/۷۴	۶۶/۶۶	۰/۸
تعهدات	۸۲/۶۶	۱۶/۹۶	۱۰۰	۰/۷
آگاهی اجتماعی	۶۳/۷۱	۱۴/۰۲	۶۳/۴۸	۲/۷
حقوق	۸۰/۰۲	۱۴/۸۴	۸۶/۷۷	۰/۴
تعهدات	۴۷/۷۳	۱۷/۷۵	۵۰/۳۷	۲/۳
آگاهی سیاسی	۵۵/۰۹	۱۷/۴۳	۵۴/۷۴	۶/۵
حقوق	۵۷/۰۱	۱۸/۳۰	۶۱/۸۰	۴/۴
تعهدات	۵۴/۷۹	۱۶/۵۳	۶۲/۳۸	۲/۹
میانگین حقوق شهروندی: ۷۱/۰۵		میانگین تعهدات شهروندی: ۵۸/۲۷		
نتایج بررسی مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که بین میانگین حقوق و تعهدات تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۰۰ وجود دارد.				

### همبستگی دو به دو

در این جداول، همبستگی بین متغیرها بر اساس ضریب پیرسن (I) محاسبه شده است. علاوه بر ضریب همبستگی، سطح معناداری و یا احتمال اشتباه، رابطه متغیرها نیز نشان داده شده است. حداکثر احتمال اشتباه قابل قبول از نظر آماری ۰/۰۵ (و یا احتمال صحت ۹۵ درصد) می‌باشد. بنابراین، آنگونه همبستگی‌هایی قابل قبول هستند که سطح معناداری آنها حداقل ۰/۰۵ باشد. به منظور درک راحت‌تر جداول، این سطوح معناداری علاوه بر اعداد با علامت \* نیز مشخص شده‌اند.

جدول (۱۰) گزارشگر همبستگی بین متغیرهای تحقیق است. همانطور که از جدول قابل استنتاج است بین ابعاد مختلف آگاهی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. از نتایج جالب توجه در جدول (۱۰) رابطه مثبت مشارکت و آگاهی در ابعاد مختلف است، یعنی اینکه با افزایش مشارکت اجتماعی آگاهی افراد نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین عکس این قضیه نیز صادق است، به این معنا که افزایش میزان آگاهی، مشارکت شهروندان را افزایش می‌دهد. تحصیلات نیز با تمامی ابعاد آگاهی شهروندی رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد؛ یعنی افزایش تحصیلات، افزایش آگاهی شهروندی را در پی دارد.

جدول ۱۰- همبستگی دو به دوی متغیرهای تحقیق

تحصیلات	مشارکت	آگاهی شهروندی	آگاهی سیاسی	آگاهی اجتماعی	آگاهی فرهنگی	آگاهی اقتصادی	شاخص‌ها	
							ضریب پیرسن	سطح معنی داری
						۱ ۰ ۷۵۸	ضریب پیرسن سطح معنی داری تعداد	آگاهی اقتصادی
					۱ ۰ ۷۵۹	۰/۱۵۰** ۰/۰۰۰ ۷۵۴	ضریب پیرسن سطح معنی داری تعداد	آگاهی فرهنگی
				۱ ۰ ۷۴۶	۰/۲۳۷** ۰/۰۰۰ ۷۴۱	۰/۳۶۱** ۰/۰۰۰ ۷۴۰	ضریب پیرسن سطح معنی داری تعداد	آگاهی اجتماعی
			۱ ۰ ۷۱۷	۰/۵۲۶** ۰/۰۰۰ ۷۰۵	۰/۳۶۶** ۰/۰۰۰ ۷۰۹	۰/۲۷۰** ۰/۰۰۰ ۷۰۸	ضریب پیرسن سطح معنی داری تعداد	آگاهی سیاسی
		۱ ۰ ۶۹۵	۰/۸۰۹** ۰/۰۰۰ ۶۹۵	۰/۷۴۰** ۰/۰۰۰ ۶۹۵	۰/۶۳۲** ۰/۰۰۰ ۶۹۵	۰/۴۶۰** ۰/۰۰۰ ۶۹۵	ضریب پیرسن سطح معنی داری تعداد	آگاهی شهروندی
	۱ ۰ ۶۸۹	۰/۲۰۲** ۰/۰۰۰ ۶۲۸	۰/۲۱۰** ۰/۰۰۰ ۶۴۵	۰/۱۷۱** ۰/۰۰۰ ۶۷۳	۰/۱۱۹** ۰/۰۰۲ ۶۸۵	۰/۱۶۴** ۰/۰۰۰ ۶۸۴	ضریب پیرسن سطح معنی داری تعداد	مشارکت
۱ ۰ ۷۶۰	۰/۰۰۸ ۰/۸۴۰ ۶۸۵	۰/۱۱۹** ۰/۰۰۲ ۶۹۰	۰/۰۷۹* ۰/۰۳۶ ۷۱۲	۰/۱۴۳** ۰/۰۰۰ ۷۴۱	۰/۰۷۴* ۰/۰۴۳ ۷۵۲	۰/۲۰۴** ۰/۰۰۱ ۷۵۱	ضریب پیرسن سطح معنی داری تعداد	تحصیلات



### رابطه جنسیت و مشارکت

از آنجا که متغیر مستقل جنسیت دارای سطح سنجش اسمی (دو حالت) و متغیر وابسته (مشارکت) دارای سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون  $t$  با نمونه‌های مستقل برای نشان دادن رابطه بین دو متغیر استفاده شده است. نتایج جدول (۱۱) حاکی از آن است که از لحاظ میانگین مشارکت، تفاوت معناداری بین دو گروه (مرد و زن) وجود دارد. به عبارت دیگر، مقایسه میانگین نمرات هر دو گروه نشان می‌دهد که مردان در مقایسه با زنان از مشارکت کمتری برخوردارند. بطوری که میانگین نمرات مشارکت برای مردان ۱۹/۷ می‌باشد، در حالی که این میانگین برای زنان در حدود ۲۴/۵۱ بوده است.

جدول ۱۱- رابطه بین جنسیت و مشارکت اجتماعی (برای کل پاسخگویان)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آزمون Leven جهت همگنی واریانس‌ها		آزمون $t$				میانگین	
		F	معنی‌داری	$t$	درجه آزادی	معنی‌داری (دو دامنه)	تفاوت میانگین‌ها	مرد	زن
جنسیت	مشارکت	۳۸۳/۵۱	۰/۰۰۰	۵۵۷/۳۱	۶۸۶	۰/۰۰۰	۴/۸۰۳	۶۰/۷۰۹	۱۵/۵۱
		۳۸۳/۵۱	۰/۰۰۰	۱۷۷/۳۱	۵۷۸/۹۹	۰/۰۰۰	۴/۸۰۳	۳۷	۱۱

### نتایج

هدف اصلی این تحقیق بررسی وضعیت آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی است. همانطور که در فصل چهارم، یافته‌های تحقیق مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، بیشترین آگاهی شهروندان در حوزه فرهنگی با میانگین ۷۷/۸۱ است. به همین ترتیب میانگین آگاهی شهروندان در حوزه اقتصادی و اجتماعی ۶۴/۶۵ و ۶۳/۷۱ می‌باشد. پایین‌ترین میزان آگاهی شهروندان تهرانی در حوزه آگاهی سیاسی است که میانگین آن ۵۵/۰۹ است. البته پایین بودن این میزان در بخش سیاسی ممکن است ناشی از محافظه‌کاری آنها باشد. از جمله نتایج تحقیق این است که به غیر از بعد فرهنگی در بقیه ابعاد، میانگین آگاهی از حقوق

بیشتر از تعهدات است. این تفاوت میانگین ناشی از عدم تعادل حقوق و تعهدات در جهان واقع می‌باشد. بعبارت دیگر چون مردم از وضعیت حقوق شهروندی رضایت ندارند لذا تعهدات متناسب با آن را نه می‌شناسد و نه رعایت می‌کنند.

از دیگر نتایج قابل توجه بالا بودن میزان درصد "بی‌جواب"ها در بعد آگاهی سیاسی است که در حدود ۶/۵ درصد است. این میزان در مقایسه با ابعاد دیگر یعنی آگاهی اجتماعی (۲/۷)، آگاهی فرهنگی (۱) و آگاهی اقتصادی (۱/۲)، بسیار بالاتر است به نحوی که می‌تواند نشان از محافظه‌کاری پاسخگویان در جوابگویی به سؤالات باشد و شاید یکی از دلایل پایین بودن میزان آگاهی سیاسی همین محافظه‌کاری باشد.

بین تحصیلات و میزان آگاهای نیز رابطه‌ای معنادار وجود دارد. نتایج همبستگی پیرسون این ارتباط را تأیید می‌کند. همبستگی بین تحصیلات و آگاهی شهروندی به میزان ۰/۱۲ است که در سطح ۹۹٪ اطمینان معنادار است.

## منابع

- پیران، پرویز (۱۳۸۵)، شهروندی از حقوق تا مسئولیت، تهران، *مجله نامه*، شماره ۵۳.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱)، *شهروندی*، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: کویر، چاپ اول.
- فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه*، ترجمه: هرمز همایون‌پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۴)، *تضاد دولت ملت در ایران: نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳)، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی»، *نامه پژوهش*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره یک، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*، دبیر شورای فرهنگی عمومی کشور.
- مصطفی پور، کامبیز (۱۳۸۶)، «شهری که هیچگاه خانه ما نیست، سطوح مشارکت شهروندان در اداره شهر و محله و عناصر مؤثر بر آن»، *مجله اینترنتی آفتاب*، بخش مقالات اجتماعی، شهری.

- میلر، دیوید (۱۳۸۱)، «حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز»، **واهبود**، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۳.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰)، **بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران**، تهران: انتشار سازمان شهرداری‌های کشور.
- نش، کیت (۱۳۸۲)، **جامعه‌شناسی سیاسی معاصر (جهانی‌شدن، سیاست، قدرت)**، ترجمه: محمدتقی دلفروز، با مقدمه حسین بشیریه، تهران: نشر کویر.

- Dean.H & Melrose. M(1999), *Poverty, Richness & Social Citizenship*, forward by Puth Lister, first publication in great Britain by Macmillan press .LTD.
- Isin.F.E & Wood.P.K(1999), *Citizenship & Identit*, Sage Publication, in association with theory culture & society series.
- Janoski, T.(1998), *Citizenship and Civil Society*, Cambridge: Cambridge University. Press.
- Turner, B. and Hamilton, P. (eds)(1994), *Citizenship: Critical Concepts*, London: Routledge.